

پکی حزب کارگران

دوران کالکان



مقاومت زینتیست

پکک حزب کارگران

مصاحبه‌ی آژانس خبری فرات نیوز با دوران کالکان
عضو کمیته‌ی مرکزی حزب کارگران کوردستان

PKK

KURDISTAN WORKERS PARTY

به مناسبت ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ روز جهانی کارگران این کتابچه را به همه‌ی کارگران و زحمتکشان ایران و شرق کوردستان تقدیم می‌نمائیم. به امید پیروزی انقلاب «زن زندگی آزادی» که انقلاب زنان، جوانان، کارگران، زحمتکشان و همه‌ی خلق‌های ایران است

پیشگفتار

دوران کالکان عضو کمیته مرکزی حزب کارگران کوردستان اعلام نمود که پ.ک.ک جنبش آزادی جامعه و ملی بوده و در اینباره افزود: پ.ک.ک اول ماه مه را به عنوان روز ارزیابی جدید و توسعه مبارزه معرفی کرده است، این مسئله هم خدمت بزرگی به توسعه و پیشرفت این حزب نموده است.

دوران کالکان عضو کمیته مرکزی حزب کارگران کوردستان به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگران با فرات نیوز گفتگو کرده است. این گفتگو مربوط به اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ می‌باشد. متن این گفتگو را در ادامه می‌خوانیم.



پکک حزب کارگران

روز مبارزه خودمان تبدیل کنیم. ما حزب کارگر هستیم، زیرا ۹۹ درصد از جامعه ما، جامعه‌ای کارگر هستند. در درجه نخست کلان‌شهرها، نیروی کوردستان را به تاراج برده‌اند، در هر چهار سوی جهان، کوردها مشغول کارگری هستند، رهبر آپو در این باره گفته است: جامعه کورد در بدترین و پایین‌ترین کارها مشغول است. و چون ما به عنوان یک حزب پیشاهنگ از چنین جامعه‌ای برخاسته‌ایم، تعریف ما به نام حزب کارگر، اقدامی به خلاف وضعیت جامعه کوردی نیست. بر خلاف این مسئله، حزب کارگران کوردستان تعریفی است که واقعیت جامعه ما را به نمایش می‌گذارد. به عنوان حزب پیشاهنگ جامعه، خود را با نام حزب کارگر معرفی کرده است و بر این اساس از روز نخست تا

* اول ماه مه روز همبستگی و پشتیبانی با کارگران و زحمتکشان جهان نزدیک می‌شود. حزب کارگران کوردستان، حزب کارگران است. شما به عنوان جنبش چه معنایی به این حزب می‌دهید؟

پیش از هر چیز اول ماه مه، روز مبارزه و همبستگی و حمایت طبقه کارگر را به رهبر آپو، تمامی رفقا، خلق کارگرمان، دوستان انقلابی - دمکرات و کارگران و زحمتکشان تمام جهان تبرک می‌گوییم. با گرامیداشت شهدای میدان تاکسیم در اول ماه مه، یاد و خاطره تمام شهدای این روز را گرامی می‌دارم.

بله، ما یک حزب کارگر هستیم و از ابتدا، ۱ ماه مه را به عنوان روزی مهم برای خودمان قلمداد می‌کنیم، آن را شادباش می‌گوییم و تلاش می‌کنیم که آن را به

پکک حزب کارگران

شده است، اما اول ماه مه به عنوان یک طرز تفکر و آکسیون کارگری و زحمتکشان، به عنوان ارزشی بنیادین ادامه پیدا کرده است و هم اکنون نه به عنوان دلیلی برای ضعف، بلکه دلیلی برای قدرت مشاهده می‌شود. چرا؟ به این علت که از ارتباط مستقیمی با مسئله طبقه برخوردار است، مانند رئال سوسیالیسم نیست که وضعیت مرتبطی با دولت و حاکمیت داشته باشد. بر عکس آن، با طبقه در ارتباط است. یعنی به بنیاد جامعه ارتباط دارد، با مسئله مبارزه در ارتباط است. با قتل، بدار کشیدن و مبارزه ارتباط پیدا کرده است. در طول ۸۰ سال گذشته، در تمام جهان جامعه‌ای ملی نمانده است که دچار قتل‌عام نشده باشد و شهدای بزرگی را نداده باشد. اما ذهنیت،

کنون، بر اساس معنا و اهمیت فراوان اول ماه مه، عمل کرده است. تلاش کرده است تا اول ماه مه را به مهم ارزیابی کند. هم خود را پرورش داده است و هم در ابعاد نیرو و معنا خود را تقویت کرده است، هم اول ماه مه را به روز شکوفایی و تقویت مبارزه تبدیل کرده است.

مانند رمضان کاپلان و هوالان وی که در گارزان به شهادت رسیدند و عبدالقادر چوکوچو که در بیروت به شهادت رسیدند، پ.ک.ک. ده‌ها شهید دارد که در اول ماه مه به شهادت رسیده‌اند. و حزمان همیشه روز اول ماه مه را به عنوان ارزیابی مجدد و اعتلای مبارزه دانسته است. همین مسئله هم خدمات بزرگی را در پیشرفت پ.ک.ک. داشته است. اگر دقت شود، هر چند رئال سوسیالیسم هم دچار فروپاشی

گفته می‌شود زمانی که دنبال نامگذاری بودید و این نام پیشنهاد شد، این نام پذیرفته شد. چرا این نام را پذیرفتید؟

- حزب کارگران کوردستان جنبشی است که در دوران رئال سوسیالیسم تاسیس شد و گسترش پیدا کرد. اما در ابتدا رئال سوسیالیسم بر سازمان فکری و فعالیت‌های مشخصه آن تاثیر داشت. در فرایند سیستم رئال سوسیالیستی، سازمان و تشکیلات احزاب پیشاهنگ، بدون گمان در میان پ.ک.ک هم، بیشتر در قالب حزب کمونیست یا حزب کارگر تعریف می‌شده است. بدون شک غیر از این احزاب هم، احزاب دیگری وجود داشتند که خود را با اسامی دیگری معرفی می‌کردند و پیوند خود را با طبقه کارگر برقرار می‌کردند. اما بیشتر

سازماندهی و روابطی که خود را با دولت و حاکمیت سیاسی پیوند داشتند، از میان رفته و کم‌رنگ شده اما اول ماه مه همچنان ادامه پیدا کرده است. زیرا به جامعه پیوند خورده است. چون تا جامعه، کارگران و زحمتکشان، تا زمانی که مبارزه برای دموکراسی و آزادی لازم باشد، اول ماه مه هم همچنان باقی می‌ماند. ما اول ماه مه را اینگونه درک کردیم، معنا بخشیدیم و با آن زیستیم. به عنوان حزب هم اکنون و از این به بعد، بر این اساس حرکت کرده و اول ماه مه را به روز همبستگی و انسجام مبارزه برای دموکراسی و آزادی و گسترش سازماندهی تبدیل می‌کنیم.

* شما خودتان را به عنوان حزب کارگران تعریف می‌کنید.

..... پکک حزب کارگران

وضعیت جوامع خاورمیانه و همچنین به دلیل تبلیغات خارجی نیروهای حاکم که در رابطه با جنبش سوسیالیستی و کمونیستی انجام می‌دادند، برای رسیدن به تمام اقشار جامعه نام حزب کارگر مناسبتر تشخیص داده شد. این نام می‌توانست بیشتر در میان جامعه گسترش پیدا کند. نام حزب کمونیست اگرچه می‌توانست بیشتر خط مشی ایدئولوژیک آن را عیان کند. نام حزب کارگر بیشتر مبنای اجتماعی و طبقاتی آن را نمایش می‌داد. هوال مظلوم دوغان چون نگاه ایدئولوژیکی شدیدتری داشت، می‌گفت اجازه بدهید که نام حزب کمونیست بر آن گذاشته شود، حتی برای مدتی هم، و در صورتیکه لازم باشد می‌تواند تغییر داده شود. در خاتمه این فرایند و گفتگوها بیشتر به این

اسامی که بکار گرفته می‌شدند همین دو نام بودند. یا حزب کمونیست یا حزب کارگر. برای پ.ک.ک هم فرایند برآمدن رهبری، گروه ایدئولوژیک و تاسیس حزب، فرایندی بود که همیشه این اسامی را مورد بررسی قرار می‌دادند، و در همین معنا از آن استفاده می‌کردند. پ.ک.ک هم این دو را زیاد جدا از هم بکار نبرد. اما در ۲۶-۲۷ نوامبر سال ۱۹۷۸، در روستای فیس از توابع لیجه، کنگره تاسیس خود را برگزار کرد و زمانیکه به صورت رسمی تصمیم به تاسیس حزب گرفته شد، لازم بود که نامی برای آن تعیین می‌شد. در این فرایند، در میان جنبش، در سطح رهبری گفتگوهایی در مورد نام آن انجام شد، برای نمونه هوال مظلوم دوغان یکی از آنها بود. بنابه وضعیت جامعه کوردی،

در کوردستان با چنین نامی هیچ حزبی تاسیس نشده است، در آنصورت است که نیروهای دیگر نمی‌توانند چنین حزبی را تاسیس کنند. به همین دلیل در کوردستان جنبش‌های جعلی بر اساس این خط ایدئولوژیک ایجاد نخواهند شد و اجازه آن هم داده نخواهد شد. یعنی افرادی بودند که اینگونه فکر می‌کردند. در آخر، به این نتیجه رسیدند که نام حزب کارگران کوردستان مناسب است. یعنی گفتگویی در اینباره ایجاد شده و سپس همه نامگذاری حزب به عنوان حزب کارگران را تایید کرده بودند.

* آیا با سندیکاها و جنبش‌های کارگران در سطح جهانی ارتباط دارید و آیا از طرف آنها حمایت می‌شوید؟ ارتباطات شما در چه حوزه‌ای هستند؟

نظر رسیدند که این نام باید نشان دهنده مبنای اجتماعی باشد بهتر خواهد بود. به همین دلیل بود که نام حزب کارگران کوردستان بر آن گذاشته شد.

در واقع هوال مظلوم دوغان، هوالانی که اعتراض داشتند، حزب کارگر را رد نمی‌کردند، بلکه در عین قبول این نام، نام حزب کمونیست را تایید می‌کردند. می‌گفتند: از بعد ایدئولوژیک است که ما می‌توانیم این خط را نمایندگی بکنیم، تا اجازه ندهیم که هیچ حزب کمونیست جعلی با این نام وارد میدان شود، این برای جلوگیری از تاسیس جنبش‌های جعلی که نام کمونیستی را انتخاب می‌کنند، اما در واقع از کمونیسم بدور هستند. می‌گفتند که حداقل برای مدت کوتاهی هم که شده است این نام بر این حزب گذاشته شود،

پکک حزب کارگران

که منافع خود را به جماهیر شوروی گره می‌زدند، به عنوان روزیونیسم مدرن تعریف کرده و مورد انتقاد قرار می‌داد. نزدیک نشدن اتحاد جماهیر شوروی به مبارزه‌رهای خلق‌ها و همچنین نواقص آن، خصوصاً موضع آن در مقابله با مبارزه آزادی ملی خلق کورد را صحیح ندانسته و همین مسئله بود که به چنین ارزیابی منجر شد.

اتحاد جماهیر شوروی در رابطه با دولت‌هایی که خواهان نابودی کورد بودند، ابعاد سیاست‌های این دولت را با انگلیس و آلمان متضاد تعریف می‌کرد و بر اساس منافع، از این دولت‌ها حمایت کرده و همیشه علیه برخودان خلق کورد بوده است. به جای اینکه در مقابل قتل‌عام، نابودی در کوردستان اعتراض کنند و از جنبش موجود حمایت کرده از

جنبش پ.ک.ک از ابتدا، به عنوان جنبشی که برخی از ابعاد رئال سوسیالیسم را مورد انتقاد قرار می‌دهد، تاسیس شد و پیشرفت پیدا کرد. انتقادات بنیادینی که از رئال سوسیالیسم داشت، این بود که سیاست را پیش از ایدئولوژی قرار می‌داد، یعنی معیارهای ایدئولوژیک را قربانی سیاست، سیاست‌های دولتی می‌کرد. و آنچه که پ.ک.ک آن را درست می‌بیند، اینست که در مقابل این مسئله معیارهای ایدئولوژیک را همواره گسترش بدهد، و سیاست را هم بر همین اساس به پیش ببرد.

برخورد رئال سوسیالیسم، منافع دولت‌های اتحاد جماهیر شوروی را فراتر از هر مسئله‌ای می‌دانست، در عین حال جنبش‌های سوسیالیستی هم

قرار می‌داد، زیرا منافع شوروی در اولویت قرار داشت، اما وجود اتحاد جماهیر شوروی و در کل وجود سیستم سوسیالیستی را همیشه مهم ارزیابی می‌کرد. و در رابطه با مبارزه خلق‌های فرودست و رهایی ملی، اتحاد جماهیر شوروی را مانند سازمان سیاسی استراتژیک می‌دانست. یعنی انتقاداتی صورت می‌گرفتند، باعث نشدند که پ.ک.ک سیستم سوسیالیستی را رد کند. نیروی آنها را انکار کند. یا مسائل را ندیده و به تمامی انکار کند. بر اساس انتقاد ایدئولوژیک همیشه نسبت به ارتباطات سیاسی گشوده بود. در سال ۱۹۷۹ همراه با خروج از میهن این فرصت ایجاد شد که سیستم سوسیالیستی، سازماندهی سوسیالیسم رئال بهتر درک شود و رهبر آپو تلاش کرد تا حدی با آن ارتباط برقرار کند، از سال

آزادی خلق کورد حمایت کنند، با نام منافع اتحاد جماهیر شوروی در مقابل قتل‌عام‌های دولت‌های ترک، ایران و عرب در کوردستان سکوت کرد یا از این کشتار و قتل‌عام‌ها حمایت کرد. این نوع برخورد نقش مهمی را ایفا کرد که پ.ک.ک با برخوردی انتقادی به سوسیالیسم رئال برخورد داشته باشد.

در واقع در فرایند تاسیس حزب کارگران کوردستان، سازمان‌های ترکیه‌ای و کوردستانی از ارتباط قدرتمندی با اتحاد جماهیر شوروی برخوردار بودند و از ویژگی ایدئولوژیک و سوسیالیستی شدیدی برخوردار بودند، مسئله کورد را رد می‌کردند و همچنین موجودیت کورد را انکار می‌کردند.

بله، در بعد ایدئولوژیک برخورد رئال سوسیالیسم را مورد انتقاد

پکک حزب کارگران

رئال سوسیالیستی دیدار کردند و در چارچوب حل مسئله کورد و پ.ک.ک و پیشبرد هر چه بیشتر جنبش سوسیالیستی در سطح جهان بحث و گفتگو کردند. اما این ارتباطات نتوانست به روابط تنگاتنگ و ائتلاف برسد. در واقع بدون آنکه به موفقیتی دست پیدا کند، سیستم سوسیالیسم رئال در ابتدای دهه ۹۰ به نحوی تراژیک سقوط کرد. رویدادهایی که بعد از آن به وقوع پیوستند، به عنوان گام‌های ملموس و عینی مشاهده می‌شوند. در واقع بعد از تغییر پارادایم، انتقادات از سوسیالیسم رئال منسجم‌تر و عمیق‌تر شدند و افکار خود را در این باره عینی‌تر کرده و در نهایت به پارادایم جدیدی دست پیدا کردند. همین مسئله باعث شد که پ.ک.ک تلاش کند تا با جنبش‌های کارگری و کارگران در

با بلغارستان و نیروهای مانند آن که در خاورمیانه نمایندگی سوسیالیسم را داشتند ارتباطاتی برقرار شد. همچنین در میان جنبش آزادیبخش فلسطین هم با سازمان‌هایی که با شوروی ارتباطاتی داشتند ارتباط برقرار کرده و تلاش شد اقدامات مشترکی انجام شود.

یعنی ارتباط سازمانی یک سازمان فلسطینی با شوروی‌ها را به عنوان وضعیتی منفی ارزیابی نکرد، برعکس آن را مثبت دیده و همراه با انتقاد ایدئولوژیک تلاش نمود تا ارتباط سیاسی با آن برقرار کند. در چارچوب این مسئله، در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷، برای آنکه بتواند بهتر ارتباط خود را با نمایندگان سوسیالیسم رئال برقرار کند وارد بحث و گفتگو شد. رهبر آپو بر همین اساس ۲ بار با نمایندگان کشورهای

بقیه نقاط جهان ارتباط برقرار کند. از طرف دیگر در چارچوب دفاعیات رهبر آپو که به زبان‌های مختلفی ترجمه شده است و منتشر شدند، مفهوم و ایدئولوژی مدرنیته دمکراتیک منتشر شد. در ابعاد دیگر هم در سطح بین‌المللی، در ابتدا از اروپا تلاش شد تا با جنبش‌های دیگر مبارزه مشترک به پیش برده شود، و از آنها حمایت بشود. این تلاش‌ها در آن زمان هم با مبارزه برای آزادی فیزیکی رهبر آپو، با پلتفرم‌های بحث و گفتگو در رابطه با پارادایم جدید رهبر آپو، با انتقاد از کمبودهای رئال سوسیالیسم و مبارزه ادامه پیدا کرده بود و به انتقاد از مدرنیته سرمایه‌داری رسیده و هم اکنون هم با تلاش برای گسترش جنبش‌های چپ و سوسیالیست ادامه دارد.

مبارزه علیه داعش و گسترش انقلاب آزادیخواهانه در روزآوای کوردستان باعث ایجاد همکاری‌های گسترده‌ای با تلاش‌های اینترناسیونالیستی شده و آن را تقویت کرد. هم برای گفتگو و گسترش پارادایم جدید رهبر آپو که از غرب گرفته تا کانادا، از تمام اکناف جهان به انقلاب روزآوا پیوستند این مسئله اهمیت داشت و هم در چارچوب مشارکت در جنگ علیه داعش به پیشرفت‌های بزرگی منجر شد. می‌دانید که از تمام جهان به سوی روزآوای کوردستان سرازیر شدند. به جنبش آزادی کورد پیوسته و علیه داعش وارد جنگ شدند. بخشی از آنها با قهرمانی جنگیدند و به شهادت رسیدند. اینگونه انقلاب آزادی روزآوا و مبارزه علیه داعش به نیروی معنوی اینترناسیونالیستی تبدیل

..... پکک حزب کارگران

که اسامی آنها ذکر شود، اما از انگلستان تا آفریقای جنوبی جنبشهای کارگری و زحمتکشان، سندیکاها حمایت قدرتمند خود را نشان داده‌اند. جنبشهای فمینیستی و اکولوژیست، تا حدی با مبارزه پ.ک.ک ارتباط برقرار کرده‌اند. جنبشمان از این ذهنیت برخوردار نیست که سریعاً بخواهد سازمانی جهانی ایجاد کند، و دستگاهی بوروکراتیک ایجاد کند. در واقع چنین برخوردی با واقعیت پ.ک.ک، دیالکتیک پیشرفت جنبش سازگار نیست. به جای تلاش‌های صوری بر پیشرفت و تاثیر فکری تمرکز دارد، یعنی درک ایدئولوژیک، نگاه مشترک و بر اساس آن عمل و حمایت، برادری و رفاقت در مبارزه را مهم می‌داند. در این چارچوب است که با آنها ارتباط برقرار می‌کند، و این مسئله

شد. بعد از اینکه این مسئله با پارادایم جدید رهبر آپو و ذهنیت و تفکرات رهبر آپو و ائتلاف اینترناسیونالیستی پ.ک.ک به هم آمیختند، علیه سیستم انزوا و شکنجه تحمیل شده بر امرالی، با ایجاد کمپین آزادی فیزیکی رهبر آپو، سازماندهی شدند و در تمام جهان بسیاری از شخصیت‌ها و روشنفکران و هنرمندان، اندیشمندان، گروه‌ها، سازمان‌ها و سندیکاها و جنبش‌ها با واقعیت پ.ک.ک آشنا شده و مبارزه آزادیخواهی خلق کورد را مشاهده کرد و تلاش کردند تا از آن حمایت کنند.

در این چارچوب امروز تا حدی این ارتباط و ائتلاف ایجاد شده است. این مسئله در کارزارهای مبارزاتی برای آزادی فیزیکی رهبر آپو عینی‌تر قابل مشاهده است. در این رابطه لازم نیست

به ویژه در کارزارهایی مشخص میشود که برای آزادی جسمی رهبر آپو برگزار می‌شوند.

بدون شک برای دستیابی به پتانسیل‌های ارتباطی پ.ک.ک در ابعاد ایدئولوژیک و استراتژیک، مشارکت دادن آنها در مبارزه مشترک و سازماندهی، سطح موجود به عنوان گام نخست می‌تواند ارزیابی شود. همچنین بسیار محدود می‌توان آن را ارزیابی کرد. واقعیت مسئله اکنون این است. اما تا کنون در این سطح مهم است. همیشه در حال پیشرفت است. درک، سازماندهی و فعالیت با هم ایجاد می‌شوند، از هم جدا نیستند، و جنبشمان برخوردی را که این سه مسئله را از همدیگر منفک کند، نمی‌پذیرد. اما محدودیت‌های آن هم در نظر گرفته شوند، درست و مهم هستند. در اینجا لازم است

که تا حدی برای سازماندهی بیشتر تلاش شود. خصوصاً وضعیت خلق کورد و معنای مبارزه و موجودیت خلق کورد برای معیارها و ارزش‌های انسانی، پارادایم مدرنیته دمکراتیک رهبر آپو و سیستم انزوای تحمیل شده بر امرالی در ۲۴ سال گذشته که ادامه پیدا کرده است. مهم است که خلق‌های جهان، کارگران و زحمتکشان و جوانان و روشنفکران و هنرمندان و انقلابیون و نیروهای دمکراتیک این مسئله را بدانند، و مسئولیت بازگویی وظایفشان را به همه برسانند، این مسئله از جمله وظایف جنبش ماست. مسئولیت اصلی جنبش ما برقراری امور هم‌پیمانی و ارتباط است. تا اندازه‌ای این مسئله سازماندهی شده است و در حال پیشرفت است. اما کافی نیست. ما این مسئله را ارزیابی می‌کنیم و مورد

پ.ک.ک حزب کارگران

رابطه با پ.ک.ک ایجاد شده است. که در این میان برخی از این برداشتها از پیش طراحی شده هم هستند. و این مسئله هم مانند حملاتی مشاهده می‌شوند که مانع از پیشرفت و گسترش پ.ک.ک هستند. برداشتهای نادرستی وجود دارند که از درک فراتر رفته و به همین دلیل بر اساس تحمیل برداشتهای خودشان نشان داده می‌شوند. برای نمونه زمانیکه واقعیت پ.ک.ک تا دوره کنونی کاملاً مشخص نشده بود، و بدرستی از سوی همه شناخته نشده بود. تلاش‌هایی صورت گرفت تا آن را به سازمان میت پیوند بزنند. کسانی در میان سازمان‌های چپ و کوردی هم وجود دارند که بر این مسئله پافشاری می‌کنند. این گروه‌ها آشکارا می‌گفتند که پ.ک.ک جنبشی است که از

انتقاد هم قرار می‌دهیم. ما اعتقاد داریم که باید کمبودها را از میان برداشت. علیه سیستم مدرنیته سرمایه‌داری، بر اساس کنفدرالیسم دموکراتیک باید بتوان بدیل ایجاد کرد، جهان دموکراتیک جدید و حیات آزاد را خلق کرد. تلاش‌های ما بر این اساس هستند. ما اعتقاد داریم که این مسئله تحقق پیدا می‌کند.

پ.ک.ک در بعد فکری و نظری و عملی جنبشی همبسته و متحد است

* علت نوع برخورد برخی از گروه‌ها در ترکیه که تلاش می‌کنند تنها ویژگی ملی جنبش پ.ک.ک را برجسته کنند چیست؟

- در ترکیه در طول ۵۰ سال گذشته، دانسته‌یانی نادانسته، درک بسیار نادرستی در بسیاری از ابعاد در

عکس تئوری آن از پراتیک آن قدرتمندتر است. بر همین اساس رهبر آپو گفت: ما تنها می‌توانیم ۵ درصد از افکارمان را عملی کنیم. همچنین مشخص کرد که مشکل ما در سازماندهی افکار بزرگ و تحقق آنهاست.

معیار قدرتمند پ.ک.ک بعد نظری و فکری آن بود. زیرا این مسئله نشان دهنده برآمدن رهبری جدیدی بود. بعد تنگ و ضعیف، بعد عملی آن بود. این گروه‌ها خود را مانند نیروی تئوری می‌بینند و تلاش کردند تا بر این اساس، راه و مسیر را به پ.ک.ک نشان بدهند. اما زمانیکه واقعیت پ.ک.ک را مشاهده کردند، رهبری آن را دیدند و سطح تیوریک آن را مشاهده کردند، درک کردند که برخورد آنها اشتباه بوده و دست از اهداف خود کشیدند.

برخوردهایی که تنها معیار

سوی سازمان‌های اطلاعاتی مانند میت و سیا تاسیس شده است. این تبلیغات تا حدی بر جامعه ترکیه و برخی گروه‌های چپ-سوسیالیست هم تاثیرگذار شد. همچنین بر ویژگی جنگ‌جویانه خلق کورد، برخوردی که پ.ک.ک جنبشی بسیار ملگرایانه است و اینکه فاقد نیروی فکری است تاکید کردند. زمانیکه پ.ک.ک را شناختند دیدند که واقعیت اینگونه نیست و دانستند که در اشتباه بوده‌اند. و در واقع هم دیدند که پ.ک.ک جنبشی بزرگ رهبری بوده و در این معنا جنبشی جدید به شمار می‌رود. نیروی بزرگی است که بر اساس درک و ذهنیتی عمیق و نظری قرار گرفته است. ابعاد عملی آن، تنها بخش بسیار کمی از نیروی نظری آن را بازتاب می‌دهد. و عملگرایی آن از تئوری آن قویتر نیست، بر

پکک حزب کارگران

بود که مسئله ملی کورد را به نحوی درست خاطر نشان ساخته و همراه با مبارزه بر اساس آزادی ملی، برخوردهای ایدئولوژیک برای یافتن راه حل را هم نشان داد.

رهبر آپو برخورد چپ‌های ترکیه در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۲ در مقابل دولت، انقلاب و سازمان‌ها و نحوه مبارزه آنها را مورد انتقاد قرار داده بود. اما نقد اساسی وی نوع برخورد با مسئله کورد و پیشرفت جنبش آزادی ملی کورد بود. زیرا این مسئله معیار نخست ملی است. پ.ک.ک به این نحو شناخته شد. چنین وضعیتی در آن زمان تا اندازه‌ای عینی بود. اما سپس این وضعیت در بسیاری از ابعاد تغییر کرد. در واقع، در ابتدا هر چند در سازماندهی مسئله ملی کورد و تعیین راه‌های دستیابی

ملی ایدئولوژیک پ.ک.ک را می‌بینند، و نمی‌خواهند بعد اجتماعی آن را درک کنند، هم دچار چنین اشتباهی هستند. در واقع می‌توان گفت؛ در ابتدا چنین وضعیتی در عمل وجود داشت. در دوره‌ای که پ.ک.ک بر اساس مبنای فکری و سازماندهی سوسیالیسم رئال حرکت می‌کرد، ویژگی ملی آن بیشتر ظاهر شد، چون در بعد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراتر از سوسیالیسم رئال چیز تازه‌ای برای گفتن نداشت. آنچه که متمایز بود این بود که برخوردهای اشتباه و تاثیرگذار سوسیالیسم رئال بر ترکیه و کوردستان در رابطه با مسئله ملی کورد و برخوردی که آن را نکار می‌کردند، یا بدرستی آن را ارزیابی نمی‌کردند، آن را مورد انتقاد قرار می‌داد. بر همین اساس واقعیتی را که پ.ک.ک آشکار کرد، این

و تنگ نظر و ملی نشان دادند و گفتند که پ.ک.ک. یک جنبش چپ-سوسیالیست نیست. تلاش کردند تا پ.ک.ک. را محدود کنند و از یک جنبش چپ-سوسیالیستی آن را خارج کنند. به همین دلیل می‌خواستند تا مانع از ارتباط و ائتلاف پ.ک.ک. در خارج شده و تلاش کردند تا کوردها، انقلابیون و سوسیالیست‌های کورد را که بیشتر در این سازمان تشکل یافته بودند، در میان سازمان‌های خود جذب کنند. پ.ک.ک. را مانند یک سازمان تنگ نظر و ملی‌گرا نشان داده و تلاش کردند تا آن را به عنوان یک سازمان سوسیالیستی معرفی نکنند. نگرانی‌ها و دغدغه‌های آنان اینگونه بود. اگر آنها پ.ک.ک. را مانند یک جنبش آزادیخواه ملی و اجتماعی نشان می‌دادند، در آن صورت نمی‌توانستند، کوردها را در قالب سازمانی خود بپذیرند.

به راه حل، افکار خود را بر زبان آورده بود، اما در بعد ایدئولوژیک نوع برخورد سوسیالیسم رئال را مورد انتقاد قرار می‌داد، و منافع دولت را بر اساس اصولی که در پیش گرفته بود، توضیح می‌داد. در میان پ.ک.ک. هم اجماع نظر وجود داشت.

اما گروه‌های چپ-سوسیالیست در ترکیه و کوردستان چون موضع خود را بر حق می‌دیدند و همچنان با پ.ک.ک. در مبارزه‌ای ایدئولوژیک قرار داشتند، به جای آنکه جنبش‌های اپوزیسیون را به طور کلی مورد توجه قرار بدهند، ترجیح می‌دادند که جنبش‌های اپوزیسیون را مانند جنبشی یک‌طرفه و ملی نشان بدهند یا ببینند. تلاش کردند تا خود را مانند خط‌مشی مبارزه علیه پ.ک.ک. بدانند. اینگونه پ.ک.ک. را مانند جنبشی محدود

پکک حزب کارگران

شوند، تلاش نمود. و در واقع به نحوی خود انتقادی درس‌های این برخودان بزرگ را در مقابل کودتای ۱۲ سپتامبر به نمایش گذاشته و گام در راه مرحله تاسیس پ.ک.ک گذاشته شد. این گام هم در بعد تئوریک و هم در حوزه نظری برداشته شد.

البته در آینده‌ای نزدیک، طرفداران پ.ک.ک که مبارزه اجتماعی را در نظر داشتند، وارد میدان می‌شوند، برای نمونه، جنبش آزادی زنان، خط ایدئولوژیکی که این انقلاب را آغاز کرد و به پیش برد، برداشت‌های تئوریک، ذهنیت فرادست و مردسالار و ارزش‌هایی که بر خانواده و زندگی از سوی سیستم حاکم و دولت گسترش پیدا کرده است، که همه این مسائل، وضعیت بسیار مهمی را بازتاب می‌دهد. از طرف دیگر، برخورد اکولوژیکی،

طبیعتاً آن‌ها به صفوف پ.ک.ک می‌پیوستند. به همین دلیل آنها تلاش کردند تا پ.ک.ک را تنگ و ملیت‌پرست نشان بدهند.

در واقع به جای یافتن حقیقت، برخی از دغدغه‌های سازماندهی و منافع باعث شدند که بر خلاف واقعیت را ببینند. اما نخست پ.ک.ک را به عنوان جنبشی که در بعد سوسیالیسم به اصول ایدئولوژیک توجهی نمی‌کند، مورد انتقاد قرار دادند. همچنین برخوردهای ایدئولوژیک جنبش انقلابی-سوسیالیست ترکیه را تا اندازه‌ای مورد انتقاد قرار داده و به ویژه در رابطه با دلایل شکست در مقابل کودتای نظامی ۱۲ مارس ۱۹۷۱ بحث نمود. در این باره بود که برای ایجاد جنبشی شکست ناپذیر، باید دلایل ایدئولوژیکی که مایه شکست می‌شوند و باید از میان برداشته

مقابل واقعیت پ.ک.ک و ابعاد نظری و عملی آن نمی‌توانند چیزی بگویند. در مقابل پ.ک.ک با شیوه‌های مختلف برخورد کرده و واقعیت آن را وارونه جلوه می‌دهند. کاملاً آشکار است که ضعف و چپین برخوردی محدود و کوتاه بینانه نمی‌تواند در مقابل پ.ک.ک تاثیرگذار و موفق باشد. به همین دلیل است که هر چند چنین افرادی تلاش کنند تا برخی مسائل را به نفع خود صادره کنند، در میان مدت و بلند مدت همیشه ناموفق بوده‌اند و خواهند بود.

* از ابتدای تاسیس پ.ک.ک تا کنون، رهبر آپو در مرحله تجمیع هم، در تلاش بود که با گروه‌های چپ و سوسیالیست در ترکیه ارتباط برقرار سازد، چرا این

نگاهی بسیار قدرتمند و عمیق را ایجاد کرده بود. همزمان برخورد بسیار تنگ نظرانه و کوتاه‌بینانه سوسیالیسم رئال را که واقعیت تاریخی اجتماعی را در تمام ابعاد خود ندیده بود، مورد انتقاد قرار می‌داد. به همین دلیل پ.ک.ک در ابتدا همیشه به گسترش و پیشبرد معیارهای جنبش آزادی اجتماعی، توانسته بود به شیوه جدیدی فکر و عمل را به سنتز جدیدی برای آزادی تبدیل کند. البته این مسائل هم اکنون قدرت پ.ک.ک را به نمایش می‌گذارند. پ.ک.ک در بعد فکری و نظری و عملی جنبشی همبسته و متحد است. جنبشی است که روزانه مبارزه کرده و گسترش پیدا می‌کند. به همین دلیل است که پ.ک.ک را به درستی نمی‌توانند ارزیابی کنند. و کسانی دچار اغوای خود شده‌اند، در

پکک حزب کارگران

توسعه دادند. رهبر آپو وضعیت خود را اینگونه توضیح می‌دهد: کودتا از بیخ گوش من گذشت، من هنوز رزمنده‌ای نبودم که از طریق سازماندهی وارد فعالیت شوم، اما من در حد یک طرفدار مترقی THKP-C بودم که آمده بودم در هر حوزه‌ای وارد عمل شوم. کادرهای دیگری که به رهبر آپو پیوسته بودند، در سطح طرفداران جوان بودند و تا اندازه‌ای پیشرفت داشتند. در این معنا، پ.ک.ک از این گروه‌های انقلابی که در مقابل کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۱ مقاومت کرده‌اند، نیرو گرفته است و برخوردان این دوره برآمده است. پ.ک.ک جنبشی است که این برخوردان را مبنای کار خود قرار داده و بعنوان بخشی از جنبش انقلابی که در مقابل ذهنیت و سیاست‌هایی که خواهان تبدیل

اتحاد به طور کامل ایجاد نشده است؟ دستیابی به این اتحاد چه موانعی دارد؟

پ.ک.ک جنبشی است که از جنبش‌های انقلابی ترکیه سر برآورده است. توسعه پیدا کرده است و از آن گسسته است، قدرت گرفته است و پیشرفت ایجاد کرده است. رهبر آپو در جریان برخوردان انقلابی علیه کودتای فاشیستی نظامی ۱۲ مارس ۱۹۷۱ موضعگیری کرد. کادرهای پ.ک.ک از شعله‌های این برخوردان است که نیرو می‌گیرند و به انقلابی تبدیل شده‌اند. آنها به مبارزه چپ-سوسیالیستی علاقه نشان دادند. زمانیکه وارد مبارزه شدند، به همین شیوه واقعیت مبارزه را هم مشاهده کردند. دور رهبر آپو حلقه زده و به تاسیس جنبش آپویی دست زده و آن را

ترکیه به دیکتاتوی فاشیست- الیگارشیک بودند، مبارزه را آغاز کرد. رهبر آپو در چنین اتمسفری برآمده است و رهبری ماریسه در چنین عمقی دارد. درک می‌کند و وارد برخوردان می‌شود و بر این اساس ظهور یافته است. رهبر آپو همیشه با احترام و غرور از این مسئله حرف زده است. اعلام کرده است که برآمدن رهبری، بر اساس صیانت از یاد و خاطره ماهر، دنیز و ابراهیم و در راستای تحقق اهداف آنان بوده است. واقعیت اینگونه است. همیشه این نحو برآمدن رهبری را از این طریق معنادار یافته است.

در این چارچوب خودش بخشی از جنبش انقلابی-سوسیالیست ترکیه بود. از ابتدا اینگونه بود و همیشه هم خودشان را اینگونه ملاحظه کرده است. درک کرده بود، ملاحظه کرد که یکی از

ابعاد مهم آن اینست که باید جامعه کوردی را بر اساس آزادی ملی و اجتماعی سازماندهی کند و وارد مبارزه کند. در همین رابطه بود که به یک حزب کوردی مبدل شد. در کوردستان مبارزه کرد. خلق کورد را آموزش داد، سازماندهی کرد و وارد مبارزه آزادی کرد، همیشه این تلاش‌ها را به عنوان بخشی استراتژیک از انقلاب دمکراتیک و جنبش انقلابی ترکیه در دست گرفته و ارزیابی کرد. در درجه نخست در مقابله با حاکمیت و سیستم دولتی در ترکیه که فشار و استثمار و قتل‌عام را در بالاترین سطح تحمیل کرده است، مبارزه را فرماندهی کرده است. یعنی دشمن مشترک بود، اهداف آنان مشترک بود، تنها سازماندهی و زمینه مبارزه متفاوت بود. جنبش انقلابی ترکیه خود را در درون

پکک حزب کارگران

از فرایند کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۱، رهبر آپو گروه آپویی را در سطحی فعال و پیشاهنگ وارد مبارزات کرد و از نو، در سازماندهی جنبش جوانان انقلابی ترکیه شرکت کرد. رهبر آپو در تاسیس و عملیاتی کردن اقدامات گروه دانشجویان عالی و دمکراتیک آنکارا در سطح ارشد حضور پیدا کرد. هوال حقی کارر در رهبری جا گرفته بود. گروه آپویی یکی از بزرگترین گروه‌هایی بود که در سازماندهی مشترک جنبش جوانان انقلابی ترکیه شرکت کرده بود. از یکطرف گروه جوانان آپویی که مانند گروه ایدئولوژیک انقلابی جوانان کورد خود را سازماندهی می‌کرد وجود داشت و از طرف دیگر، سازماندهی مشترک جنبش جوانان ترک هم پیش‌بینی می‌شد. سازماندهی مشترک سازمان انقلابی جوانان کورد و جنبش

خود سازماندهی کرده بود و در حوزه‌های اجتماعی ترکیه مبارزه می‌کرد. از طرف دیگر پ.ک.ک. جامعه کوردی را مبنا قرار داده و در کوردستان سازماندهی شده بود و مبارزه را ادامه می‌داد. تفاوت اینگونه آغاز شده بود. برخورد رهبر آپو از ابتدا اینگونه بود. به آن‌ها از این زاویه که با یکدیگر اختلاف دارند، نگاه نمی‌کرد. سازماندهی و مبارزه اجتماعی کورد برای آزادی ملی و اجتماعی در سازمانی که با مبارزه انقلاب دمکراتیک خلق‌های ترکیه اختلاف نداشت، و تلاش می‌شد تا با آن اتحاد ایجاد کند. او اختلافات را برجسته نکرد، همیشه اعتقاد داشت که می‌توانند با هم و در میان هم باشند و برای چنین سازمانی تلاش می‌کرد. بر همین اساس تلاش‌های ارزنده وی شکل گرفته بودند، بعد از گذشتن

انقلابی ترکیه مانند جنبش‌هایی که با هم اختلاف و دشمنی نداشته و می‌توانند باهم کار مشترک را انجام بدهند، نگریسته می‌شد.

همچنین بعد از کودتای نظامی-فاشیستی سال ۱۹۸۰، برای پیشبرد مبارزه‌ای مشترک علیه فاشیسم، رهبر آپو و پ.ک.ک سازماندهی جبهه مقاومت متحد علیه فاشیسم را رهبری می‌کرد. برای آنکه در ترکیه و کوردستان در مقابله با کودتای فاشیستی ۱۲ سپتامبر، بتوانند برخودان مشترک ضد فاشیستی و دمکراتیک را گسترش بدهند، در بالاترین حد دست به فعالیت زدند. در راستای پیشرفت‌های نظری و عملی، بیشترین تلاش را کرد. هم اکنون چرا این تلاش‌ها به تمامی به پیروزی دست پیدا نکردند؟ وارد بعد عملی نشدند؟

طولانی مدت نبودند؟ در مقابل این مسئله چه موانعی وجود داشت؟ هر چند مدت زیادی است که این مسائل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و به کرات هم به آنها پاسخ داده شده است، اما این پرسش‌ها مهم هستند. من مانند شخصی که در این باره، اوضاع عینی را به خوبی می‌شناسم، می‌توانم بگویم: رهبر آپو و پ.ک.ک در این باره هیچگونه کوتاهی و حرکت اشتباهی نداشتند. احتمال دارد که در بعد عملی دچار اشتباه شده باشند. احتمال دارد که در زمان مناسب وارد عمل نشده باشند، نتوانسته باشند خودشان را به خوبی تفسیر بکنند، اما در بعد ذهنیت و تحقق عملی برخورد آنها که اتحاد را تضعیف کنند، مبارزه مشترک را ضعیف ببینند، خارج از آن باقی بمانند، مبارزه

پکک حزب کارگران

سوسیالیستی ترکیه داشت. به عنوان فکر شوونیسم تاثیراتی بر آن داشت. ما به آن شوونیسم اجتماعی می‌گوییم. برخوردهایی واقعیت کوردی، موجودیت کورد و مبارزه ازادیخواهانه کورد را انکار می‌کنند. در رابطه با جنبش کمالیستی چنین چیزی گفته می‌شد: مصطفی کمال گفته است که اگر در کشور کمونیسم لازم باشد، همان را هم خواهیم آورد. هم اکنون جنبش سوسیالیستی ترکیه هم گفته است: اگر آزادی کورد تحقق پیدا کند، همان را هم خواهیم آورد. همین مسئله به نوعی انکار کوردها به شمار می‌رود. تضعیف کوردها، نادیده انگاشتن کوردهاست. این برخورد که تو نمی‌توانی و نمی‌دانی کاری را انجام بدهی، اگر چیزی لازم داشته باشی، تنها ما هستیم که

دیگری را در مقابله با آنها صورت داده و تنها خودشان را به عنوان مرکز مشاهده کنند، نبوده است. همیشه مبارزه و سازماندهی مشترک را مهم ارزیابی کرده‌اند. و برای به پیش بردن آن دست به هر نوع تلاش ممکن و فداکاری زده‌اند. می‌توانم بگویم که با صراحت آن را نشان می‌دهم. در این چارچوب، انتقادهایی از پ.ک.ک می‌شد، اما درست نبودند و واقعیت را بازتاب نمی‌دادند. لازم است که این ارزیابی‌ها یکبار دیگر از سوی تحلیلگران مورد بازبینی قرار گیرند. در این معنا، بزرگترین مانع اصلی در مواجهه با عدم پیشرفت اتحاد، فقدان یک جنبش انقلابی در ترکیه و کوردستان با نام یک سازمان عالی-مشترک بود که بتواند مبارزه مشترک را به پیش ببرد که ریشه در جنبش

می‌توانیم آن را به تو بدهیم، نشان دهنده این مسئله است. شوونیسیم اجتماعی، شوونیسیم بنیادی است. جنبش چپ-سوسیالیستی در ترکیه نتوانسته است خود را از این مسئله نجات بدهد. نتوانسته است که معنای عمیق آن را درک کند. نتوانسته است که تهدیدهای درون آن را ببیند.

این شوونیسیم ملی بزرگ همیشه به شیوه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. و در بعد عملی، خود را از مبارزه مشترک بدور گرفته است. موضعی را گرفتند که طبقات فرادست و رهبری دولت‌هایی که کورد را حقیر می‌بینند، از خود نشان می‌دهند، تا جایی که توانستند خود را از کوردها دور کردند و خود را از حملات وحشیانه دولت ترک حفظ کردند.

یعنی در اینجا برخوردی مکارانه و منفعت‌طلبانه را در پیش گرفتند، اگر زور و ستم وجود داشته باشد، خوب بگذارید علیه کوردها هم نشان داده شود، تنها من در مقابل امواج آن قرار نگیرم.

از طرف دیگر، در برخوردهایشان دچار نوعی خودبزرگ بینی بودند. برای نمونه، زمانیکه ADYOD از سوی دولت تعطیل شد و به جای آن AYOD تاسیس شد. این مسئله چگونه روی داد؟ تنها در رهبری گروه راه انقلابی Devrimci Yol سازماندهی جوانان ظاهر شده بود. برخورد ضد دمکراتیک «ما بیشاریم، و همه تصمیمات را هم باید ما بگیریم، شما ناچارید، ما باید رهبری را در دست داشته باشیم، شما ناگزیر هستید که به ما پیوندید» همیشه در اقدامات آنها مشاهده می‌شد. هر کس که در جنبش

..... پکک حزب کارگران

استعمارگرانه بد است، اما برقراری این نوع ارتباط مثلا برای من خوب است. هر نوع وابستگی بد است. باید تمام آنها را بشکنیم. در جایی که وابستگی وجود داشته باشد، آزادی وجود ندارد. اراده آزاد نمی‌تواند پیشرفت داشته باشد. چنین ذهنیتی از دموکراسی بر اساس شمار و جمعیت و حساب سرانگشتی، تاثیر مهمی را در مانع‌تراشی جهت ایجاد اتحاد کرده است.

به عنوان دلیل آخر، به اپورتونیسیم هم اشاره‌ی می‌کنم. در واقع خروج ماهر، دنیز و ابراهیم به خروجی بزرگ و تاریخی تبدیل شد. یعنی با جواهرردی و قهرمانی همراه بود. زیرا جنبش انقلابی ترکیه، اگر بتواند چنین قهرمانانانی را تقدیم کند، همیشه می‌تواند سرفراز و سربلند باشد. اما به شیوه‌ای

چپ ترکیه از قدرت برخوردار بود، چنین برخوردی را از خود نشان می‌داد. این دموکراسی نیست. دموکراسی در نظر داشتن حقوق اقلیت‌هاست، اعطای حق به آنهاست. اما آنها اینگونه نبودند. البته که چنین مسئله‌ای حل می‌شود: ترکیه جامعه‌ای بزرگ است. از جمعیت بزرگ و جغرافیای گسترده‌ای برخوردار است، هر چند کورد از جمعیت کمتری برخوردار است، احتمال دارد که سازماندهی کورد در بسیاری از مناطق هم کم باشد. اگر محاسبه‌ای سرانگشتی هم باشد، همیشه با استعمارگری ترک پیوند خورده است. در واقع در آن زمان جنبش چپ-سوسیالیستی هم به آن پیوند خورده بود. فرق آنها در پیوند با استعمارگری کنونی چگونه است؟ نمی‌توان گفت که مثلا «ارتباط

پخش چند باره اعدام‌ها بر افکار خلق تاثیرگذار بود. هیچ کس نمی‌تواند بگوید که این رویدادها تاثیری نداشتند. ترسناک بودند. رهبر آپو از این رویدادها درس گرفته و شیوه‌ای را سازماندهی کرد که در کوردستان اشتباهات آنان تکرار نشود تا مبارزه و تلاش درستی به پیش برده شود. این نحوه سازماندهی و مبارزه بود که راه را برای پیروزی گشود. در ترکیه ارباب و ترس و عقب‌نشینی حاکم شده بود. بین سال‌های ۷۵-۸۰ در مقابله با فاشیست‌ها در سطح جوانان مبارزه‌ای مهم به پیش برده می‌شد، در نتیجه در زمانی که کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ روی داد، چون چنین مبارزه‌ای نمی‌توانست نتایجی را در بر داشته باشد، عقب‌نشینی بیشتر شده و انفعال گسترش پیدا کرد. به همین

وحشیانه اعدام شدند و سرکوب شدند. در تصاویری که بعداً منتشر شدند مشاهده شد که ماهر چایان و هوالان وی از سوی ارتش ترک به طور وحشیانه‌ای اعدام شدند. ابراهیم کاپی‌اک کایا زیر شکنجه کشته شد، برای ارباب جامعه، زنان و جوانان انقلابی، همیشه این تصاویر را منتشر می‌کردند. با این گفته که عاقبت اینگونه افراد همین خواهد بود، تلاش شد ترس را در میان جامعه ایجاد کنند. هیچ کس نمی‌تواند بگوید این مسئله بدون تاثیر بود. خصوصاً که در جریان کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۱، برای نخستین بار شکنجه‌های جنگ ویژه را توسعه دادند. صدها رزمنده انقلابی-جوان دستگیر شده و شکنجه شدند. با فشارهای فراوانی روبرو شدند. به دلیل قتل‌عام‌های انقلابیون،

..... پکک حزب کارگران

و شاخه کوردستانی این جبهه هم اساساً گام بلند ۱۵ اگوست را برداشت و این مبنایی بسیار قدرتمند بود.

از طرف دیگر به عنوان مثال مقاومت FKBDC [جبهه

متحد مقاومت علیه فاشیسم]

می‌توانست در ترکیه گسترش پیدا کند. شاخه FKBDC ترک

هم در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۲

می‌توانست با دست زدن به

مقاومت گریلایی در کوردستان،

دست به اقدامی موفقیت آمیز

بزند، می‌توانست شکست را به

پیروزی بدل کند. می‌توانست

با پیشبرد جنبش بزرگ گریلایی

در ترکیه این ذهنیت و سیاست

فاشیستی-نابودگرانه را در هم

بشکند. اگر اینگونه می‌بود،

شکست سوسیالیستی سال‌های

۱۹۹۰ روی نمی‌داد، بلکه شکست

ذهنیت و سیاست فاشیستی

دلیل موضع فرصت‌طلبی، فرار از عملگرایی و عدم مشارکت در عملگرایی انقلابی گسترش پیدا کرد. در مجموع این موضعگیری در سطح سازماندهی شکل گرفته بود.

همین مسئله باعث شد تا

سازمان‌های انقلابی ترک در مبارزه علیه کودتای فاشیستی-

نظامی ۱۲ سپتامبر نتوانند جان

به سلامت بدر برده و مقاومت

بکنند. کسانی که می‌گفتند که

میراث‌دار و تداوم‌بخش جنبشی

هستند که علیه کودتای ۱۲

مارس مقاومت نمودند، در مقابله

با کودتای ۱۲ سپتامبر ناچار شدند

که مبارزه گریلایی را در پیش

بگیرند. لازم بود که در عمل

اینگونه باشد. پیشاهنگی و رهبری

را به دست گرفتند. جبهه متحد

مقاومت علیه فاشیسم به تمامی

بازتاب دهنده این مسئله بود

خط مشی درست ایدئولوژیک- سیاسی، جنبشی انقلابی گسترش پیدا می‌کرد، از تاثیری مثبت در سطح جهانی برخوردار می‌بود. البته تا زمانیکه پارادایم حاکم و دولت از میان برداشته نشوند، هر اندازه پیشرفت هم شکل می‌گرفت، باز دچار شکست می‌شدند. در طول تاریخ، دلیل اساسی که جنبش‌های آزادی‌طلبانه همراه با پیروزی‌های بزرگ، در مبارزه عملی نتوانسته‌اند خود را تداوم ببخشند، این بوده است که به پارادایم حاکمیت اتکا داشته و دولت‌خواه بوده و با ابزارهای فشار و استثمارگری، می‌خواهند آزادی و دموکراسی را تحقق بخشند. تحولات و پیشرفت‌های آزادیخواهانه بدون تغییر این ابزارها و فرا رفتن از پارادایم حاکمیت و دولت نمی‌تواند تداوم

نابودگرانه در ترکیه ممکن می‌شد و می‌توانست به شکست ناتو در ترکیه منجر شود. همین مسئله می‌توانست باعث شکست سیستم سرمایه‌داری هم بشود. پیوندهای انقلابی ترکیه با تحولات جهانی در این سطح بودند، اگر مقاومت انقلابی گسترش پیدا می‌کرد، اگر اراده وجود داشت، انقلاب در سطح جهانی هم ممکن می‌شد. سیستم مدرنیته سرمایه‌داری در جهان شکست می‌خورد. اما این مسئله شکل نگرفت. و زمانی که این مسئله ممکن نشد، می‌توان گفت که شکست سوسیالیسم رئال با این مسئله در ارتباط بود. البته نباید هر مسئلای را با آن پیوند داد، اما تلاش‌ها برای تجدید سازمان در روسیه، هم به پیروزی نرسید. اگر در ترکیه برای شکست مدرنیته سرمایه‌داری، در چارچوب یک

..... پکک حزب کارگران

هیچ کس دیگر را ندید. برخوردی غیر دمکراتیک است. کسی که خود فاقد دمکراسی باشد، نمی‌تواند آزادی آفرین باشد. همین مسئله وضعیت جنبش انقلابی در ترکیه را بخوبی نشان می‌دهد. به عنوان یکی از موانع اصلی می‌توان به این موارد اشاره کرد. البته موضوعی است که باید بیشتر مورد ارزیابی قرار گیرد و باید با گرفتن درس، تصحیح شود.

* از طرف دیگر واقعیت جنبش انقلابی متحد خلق‌ها وجود دارد که شما را با جنبش‌های انقلابی دیگر در ترکیه همراه می‌کند. از زمان تاسیس آن به بعد، آیا در سطحی که شما به ایجاد روحی انقلابی امید دارید، این سازمان توانسته است این روح را ایجاد کند؟ در این معنا HBDH

پیدا کند. اما اگر جنبش انقلابی ترک گسترش پیدا می‌کرد و قبل از سال‌های ۱۹۹۰ می‌توانست به پیروزی دست پیدا کند، در عمل می‌توانست تغییر پارادایم و تجدید در مبانی فکری را ایجاد کند. پراکتیک از چنین قدرتی برخوردار است. اما زمانیکه این مسئله تحقق پیدا نکرد، این سوسیالیسم رئال بود که شکست خورد. این بار اگر گفته شود که چرا انقلاب بزرگ ابتدای سال‌های ۱۹۷۰ به پیروزی دست پیدا نکرد، در چنین وضعیتی بود، لازم است که این شوونیسم و شوونیسم اجتماعی را به عنوان عوامل اصلی آن مشاهده کرد. نباید شوونیسم اجتماعی را کوچک و ناچیز مشاهده کرد. شوونیسم اجتماعی در عمل به معنای اپورتونیسم است. به معنای این است که غیر از خود

آن، برخوردی است که انقلاب دمکراتیک در ترکیه را پیش‌بینی می‌کند، هدف آن رهایی و حیات آزاد تمام خلق‌های ترکیه است، و هدف آن مشارکت تمام کارگران و زنان و جوانان در دستیابی به حیات آزاد و دمکراتیک است. پ.ک.ک این اهداف را به عنوان هدف خود تعریف می‌کند. از ابتدا بخشی از ارتباط استراتژیکی بوده است که آنها را هم داخل آن می‌داند. زمانی راه‌های آن گشوده شوند، مانند ADYOD در دوران گذشته، به جایگاهی رسید که در صفوف نخست مبارزه می‌کرد، همچنین مانند عملکرد FKBDC که هر چند متحدین آن قدم‌های لازم را هم برداشتند، اما پ.ک.ک به تنهایی قدم‌های لازم را برای برخوردانی که برای آزادی لازم بود برداشت و در این راه هزینه‌های فراوانی داده و

وظایف و مسئولیت‌های خود را چگونه مشخص کرده است و چه نتایجی را کسب کرده است؟

- از مارس ۲۰۱۶ به بعد ما با برخی از سازمان‌های انقلابی در ترکیه تحت عنوان جنبش انقلابی متحد خلق‌ها سازماندهی و ائتلاف و اتحاد جدیدی را ایجاد کردیم. این سازمان تداوم ADYOD و FKBDC محسوب می‌شود. متاثر و تحت تاثیر ذهنیت و موضعگیری ماست. ما به طور مشخص می‌توانیم این مسئله را نشان بدهیم. در این باره باید صریحا اعلام کنیم که برخورد ما به این مسئله استراتژیک است. لازم است هوالان ما در HBDH به خوبی بدانند که برخورد ما به هیچ شیوه‌ای تاکتیکی نیست، سیاسی نبوده و بر اساس منافع شکل نگرفته است. برعکس

..... پکک حزب کارگران

می‌گردد. در این باره می‌توانم بگویم که به دو عامل اشاره کنم. نخست: تغییر موضع آنها در رابطه با مسئله کورد است، سازمان‌های تشکیل دهنده HBDH موضع و برخورد خود را در رابطه با مسئله کورد و راه حل آن تا حد مهمی تغییر داده‌اند. بدون شک آنها مانند پ.ک.ک فکر می‌کنند، اما نمی‌توان گفت که در تمام امور و مسائل به یک نقطه نظر مشترک ایدئولوژیک دست یافته‌ایم. اگر اینگونه باشد ارتباط و سطح ائتلاف می‌تواند کمی متمایز باشد، اما می‌توان گفت که به سطحی دست یافته است که در مسائل اساسی، از شوونیسم اجتماعی گذر کرده است و به نحوی مثبت و درست به مبارزه و آزادی کورد فکر می‌کنند. خطی فکری است که خلق کورد را انکار نمی‌کند، سازماندهی و مدیریت

عقب‌نشینی نکرد. این واقعیات عینی و نوع برخورد پ.ک.ک را با این مسئله نشان می‌دهند، باید حتما در این باره دقت شود که دچار تفکر و موضع اشتباه نشد. چه عواملی باعث باعث ظهور HBDH شده‌اند؟ تمایز این سازمان با دیگران در چیست؟ چرا توانسته است دوره‌ای طولانی حضور خود را حفظ کند؟ اکنون ششمین سال حیات خود را طی می‌کند، این مسئله مهم است. سازمان‌های انقلابی ترکیه و کوردستان نمی‌توانند تا این اندازه ائتلاف‌های خود را حفظ کنند، تا جاییکه جنبش انقلابی ترکیه هم نتوانسته بود در میان صفوف خود، چنین ائتلافی طولانی مدتی را حفظ کند. این نخستین بار است که چنین ائتلافی ایجاد می‌شود. در واقع این مسئله هم به شرایط تاسیس HBDH باز

امکان‌پذیر نبود و نمی‌توانست به طور غلط هم ادامه پیدا کند. این از معیارهای فکری مهمی است که HBDH به آن پایبند است، در بعد ایدئولوژیک این رهیافت، پیشرفت‌ها و نزدیکی‌ها وجود دارند، رهیافتی است که ما می‌توانیم بگوییم هوایتی ایجاد شده است.

مسئله دوم سیاسی است. با طرح به زانو درآوردن ما، فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ ائتلافی را ایجاد کرد و حملاتی را علیه ما آغاز کرد که با نابودی پ.ک.ک در اصل نابودی موجودیت کورد را هدف قرار داده است و تلاش می‌کند تا به نتیجه دست پیدا کند. بدون شک، این حمله، حمله‌ای آسان نیست. حمله‌ای سیاسی و نظامی است که از ابعاد تاریخی بسیار دامنه‌داری برخوردار است. در واقع نابودی کورد را هدف خود

مبارزه آزادیخواهانه و دموکراسی طلب را لازم می‌داند و از مبارزه کنونی حمایت می‌کند و در آن مشارکت می‌کند و خواهان پیشبرد آن است. این مسئله تأثیرات اجتماعی شوونیستی را به شدت متوقف کرده است، البته در بعد پارادایمیک، تأثیرات سوسیالیسم رئال بکلی کنار نرفته‌اند، به همین دلیل در رابطه با اینکه در عمل و سازماندهی، مسئله آزادی چگونه تحقق پیدا کند، هنوز به طور کامل توافقی ایجاد نشده است و همه مسائل حل نشده‌اند. اما می‌توانیم بگوییم که آنچه که برای یک مبارزه مشترک لازم است همین مسئله است که شوونیسم اجتماعی می‌تواند به عنوان مانع عمل کند، این مسئله هم تا حد بالایی رفع شده است. اگر اینگونه نبود، این اتحاد

پکک حزب کارگران

برای خلق‌های ترکیه، کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان چه خطر بزرگی است، بر این باور هستند که برای ممانعت از این مسئله باید با پ.ک.ک وارد ائتلاف شوند و مبارزه مشترک را دنبال کنند. پ.ک.ک این واقعیت را می‌بیند، باور دارد که برای شکست این حملات فاشیستی لازم است که نیروهای انقلابی-دمکراتیک در ترکیه، باید هر چه بیشتر انسجام پیدا کنند، این سیاست را دنبال کرده است و برای آن درخواست داده است. البته سازمان‌های انقلابی ترکیه که در HBDH هستند، این واقعیت را دیده و به این فرایند پیوسته‌اند. زمانیکه این وضعیت در ابعاد ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گیرد، می‌تواند با فرا رفتن از تأثیرات شوونیسم اجتماعی هم همراه باشد. برای جلوگیری

قرار داده است. باید مشاهده کرد که برخورد سیاسی-نظامی که نابودی کورد را هدف قرار می‌دهد، برای ترکیه هم خطری مهیب محسوب می‌شود. برای خلق‌های ترکیه و برای دستیابی کارگران و زحمتکشان به حیاتی آزاد و دمکراتیک این مسئله خطری مهیب محسوب می‌شود. باید مشاهده شود و درک شود که ذهنیت و سیاستی که می‌خواهد نابودی کورد را به نتیجه برساند، در ترکیه به معنای ظلم و سرکوب، ترور و دیکتاتوری فاشیستی است. سازمان‌های انقلابی تشکیل دهنده HBDH، سازمان‌هایی که فرایند سیاسی را اینگونه ارزیابی می‌کنند می‌دانند که نابودی کورد با طرح به زانو درآوردن از سوی دیکتاتوری فاشیستی دنبال می‌شود. سازمان‌هایی که درک می‌کنند که این مسئله

مبارزه است. ائتلافی است که بعد عملی آن قدرتمند است و در مقابل سازماندهی فاشیستی آ.ک.پ/م.ه.پ برای نابودی کورد قرار گرفته است و جنگ انقلابی را مبنای عمل خود قرار می‌دهد و ائتلافی انقلابی و مقاومتی است که در پی دستیابی به پیشبرد امور در تمام حوزه‌هاست. می‌توان دلیل تاسیس آن را هم به همین موارد خلاصه کنیم. بدون شک دلایل دیگری هم می‌توانند وجود داشته باشد. اما دلایل اصلی این مسائل بودند و برای درک و مشاهده واقعیات کافی هستند.

به همین دلیل، در عمل اینکه آیا کافی است یا خیر؟ پیشرفت ایجاد شده است یا خیر؟ مسائلی هستند که به طور مکرر ارزیابی می‌شوند. در ابتدای شش سالگی HBDH این وضعیت از بسیاری

از وضعیت بسیار خطرناک، لازم است که جنبش‌های انقلابی ترکیه و کوردستان با ایجاد اتحاد-ائتلاف‌های بسیار مترقی، مبارزه‌ای مشترک را دنبال کنند.

البته زمانی که به آنها می‌نگریم می‌بینیم که HBDH اتحادیه انقلابی است، ائتلافی است که برای جلوگیری از نابودی کورد و در مقابله با دیکتاتوری فاشیستی اردوغان قرار گرفته است که می‌خواهد برای مدتی طولانی در قدرت قرار داشته باشد. این اتحادیه، اتحادیه‌ای انقلابی و ضد فاشیستی است. ائتلاف جنبش‌هاست. برخورد

جنبش‌های درون HBDH برای اداره و ارزیابی فرایند سیاسی-نظامی اینگونه بوده است. در این رابطه می‌توان گفت که ائتلافی عملی بوده و برگرفته از مقاومت است. ائتلافی برای

پکک حزب کارگران

و شهرها گسترش پیدا کرده است. نبرد برخوردانی است که از دریای سیاه تا استانبول و تا ازمیر و کلان شهرهای دیگر امتداد یافته است و از سوی HBDH گسترش پیدا کرده است. دهها و صدها قهرمان در این برخوردان به شهادت رسیده‌اند. برخوردان انقلابی با رهبری حزمان در کوردستان، همزمان بخشی از مبارزه انقلابی-دمکراتیک و ضد فاشیستی در ترکیه است. تمام شهدای قهرمان این برخوردان، شهدای HBDH هستند. زمانیکه به آن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که HBDH جنبشی است که تاکنون صدها شهید داده است. باید این واقعیت را مشاهده کرد. این مسئله بسیار مهم است. HBDH دست از خط‌مشی برخوردان بر نمی‌دارد. این خط، خط درست مبارزه است. در مقابل

جوانب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، ابعادی که باید مورد ارزیابی واقع شوند، بدرستی درک شوند، از آنها باید صیانت شود. وجود دارند و ابعادی هم هستند که باید گسترش پیدا کنند. بخش‌هایی که دچار کمبود هستند یا دچار اشتباه هستند، باید تصحیح شوند. شش سال اخیر به مبارزات و برخوردان بزرگی منتهی شده است. همه می‌دانند که تنها نیرویی که در ترکیه و کوردستان علیه فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ مبارزه می‌کند، می‌رزد و با زبانی که فاشیسم آن را درک می‌کند، جنبش انقلابی متحد خلق‌هاست. در مقابل حملات نابودگرانه فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ بر اساس خط‌مشی جنگ خلق انقلابی، بزرگترین مقاومت تاریخی را رقم زده است. این مسئله در کوه‌ها

به همین دلیل HBDH بار سنگینی را برداشته است. مبارزه اصلی از سوی HBDH به پیش برده می‌شود. در این معنا باید این مسئله را به دقت مورد ارزیابی قرار داد. از طرف دیگر، دو سازمان ADYOD- FKBDC مدت کمی دوام آوردند. نتوانستند یک سال کامل ادامه بدهند. HBDH ۶ سال است که مبارزه می‌کند. مهم است که به ائتلافی طولانی مدت تبدیل شده است. همین مسئله شکل مهمی از ارتباطات را نشان می‌دهد. در بعد روحی، احساسات مشترک و تحولات و پیشرفت‌های مهمی را خلق کرده است. ما هم همین شرایط را تجربه می‌کنیم. ما در مقابل این فشارهای سنگین است که مشغول برخوردان هستیم. اگر ما نتوانیم که با هم ارتباط برقرار کرده و گفتگو داشته

فاشیسم، این خط‌مشی انقلابی، نمایندگی یک ترکیه دمکراتیک را بر عهده دارد. بدون شک، نیروهایی که مبارزه دمکراتیک را به پیش می‌برند وجود دارند. این نیروها از اهمیت برخوردارند، ما هم آن را ارزیابی می‌کنیم. ما چیزی نمی‌گوییم؛ اما باید بدانیم که وجود سیاست دمکراتیک به تمامی به موجودیت برخوردان انقلابی پیوند خورده است. اگر HBDH وجود نداشته باشد، دیگر در ترکیه بر اساس نام سیاست دمکراتیک چیزی بر جا نمی‌ماند. اما هم اکنون جنبشی سیاسی دمکراتیک وجود دارد که در مقابل فاشیسم، در حال ایجاد یک بدیل است. لازم است که ما این مسئله را دیده و آن را درک کنیم. باید جو سیاسی ایجاد شده که با مبارزه HBDH خلق شده است، را هم ببینیم.

..... پکک حزب کارگران

پیروزی باشد، مقاومت ۶ ساله، اهمیت تاریخی آن را در نظر گرفته و همزمان با آن نواقص مبارزه را هم می‌بینیم. ابعاد دیگری هم وجود دارند که باید بر اساس نواقص ارزیابی شوند. زمانیکه فاشیسم تا یان حد دست به حمله می‌زند، زمانیکه خلق‌های ترکیه از چنین نیرو و امکاناتی برخوردارند، چرا باید بر خودان گسترش پیدا نکند؟ چرا نباید گسترده‌تر شود؟ چرا نتوانسته است که نبرد را بیش از پیش در شهرها گسترش دهد؟ نیروی مردمی افزایش نیافته است. این مسائل، مشکلات مبارزه هستند و با HBDH و در میان این جبهه باید مورد گفتگو قرار بگیرند. هر جنبشی بر اساس درس گرفتن و انتقاد و خود انتقادی باید این فرایند را ارزیابی کند. همین مسئله برای ما می‌تواند جای

باشیم، همه باید با برخورداری از حس مسولیتشان برای این اتحاد مبارزه کنند. همین مسئله نشان می‌دهد که سیستم HBDH سیستم درستی است. برای مبارزه مشترک ترکیه و کوردستان در مقابل فاشیسم، با جنبش انقلابی متحد خلق‌ها، هویت جدیدی خلق شده است. جبهه جدیدی گشوده شده است. میدان مبارزه ایجاد شده است. هر شخصی می‌تواند در خط HBDH، با پرچم آن، فعالیت کرده و مبارزه ضد فاشیستی، دمکراتیک و آزادیخواهانه را دنبال کند. مدت ۶ سال است که خود را نشان داده و اثبات کرده است که این نیرو، برای دستیابی به پیروزی مصر است و می‌تواند پیروزی را هم بدست بیاورد.

البته نواقصی هم دارد. ما مبارزه و حرکتی را که بر اساس خط

ما نتوانستیم برخودان اجتماعی، برخودان عمومی را به شیوه‌ای عمومی گسترش بدهیم. و این در حالی است که این مسئله، وظیفه اصلی ما بوده است. بنیادهای آن گذاشته شده‌اند، سیمای کلی آن ترسیم شده است، و به عنوان HBDH تاسیس شده است. آنچه که مانده است کار عملی است، آموزش است، سازماندهی و فعالیت است و این از طریق کار عملی و سازماندهی ممکن می‌شود. باید به حملات دشمن برای جلوگیری از گسترش فعالیت‌های HBDH پرداخته شود. نباید فراموش کرد که فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ از HBDH بسیار می‌ترسد. در ۶ سال اخیر حملات فراوانی علیه HBDH شده است. اما به همین حملات اکتفا نشده است. در درجه نخست به حزب دمکراتیک

خود انتقادی باشد. البته لازم بود که HBDH از تاثیر بسیار گستره‌تری برخوردار می‌بود. لازم بود که ضربات مهلک‌تری را بر فاشیسم وارد می‌کرد، در این رابطه، نواقص و کمبودهایی وجود دارند. ما این مسئله را می‌بینیم. آنگونه که خواسته می‌شد، تا کنون نبوده است. یعنی پتانسیل انقلابی-دمکراتیک ترکیه و کوردستان نتوانست به شیوه‌ای تاثیرگذار و همه جانبه علیه فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ وارد عمل شود. از این پتانسیل به شیوه‌ی آگاهانه مورد استفاده قرار نگرفته است و سازماندهی نشده است و وارد جنگ نشده است. جنگ به طور گسترده توسط نیروهای گریلا و پیشاهنگان مبارزه ادامه پیدا کرده است. نتوانستند با آموزش و سازماندهی، جامعه را به طور کامل وارد جنگ کنند.

پکک حزب کارگران

تمام نیروی خود را بسیج کرده است. HBDH با این حملات روبرو مانده است. سازمان‌های عضو در درون HBDH در واقع با ده‌ها حمله سازماندهی شده روبرو هستند، افراد بسیاری به شهادت رسیده‌اند، صدها مبارز آنها دستگیر شده‌اند و در زندان هستند. هزاران نفر از طرفداران آنها دستگیر شده‌اند، فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ برای آنکه HBDH نتواند به یک حزب تبدیل شود، تمام امکانات ترکیه را بسیج کرده است. باید این مسائل را دید. زیرا در زمان مناسب این مسائل دیده نشده است و نتوانستند مانع از روی دادن این مسائل بشوند و پیشرفت‌های عملی ناگزیر کم بودند.

هم اکنون مشکلات و دشواریهایی در این راه دیده می‌شود. دشواری‌هایی که به دلیل

خلق‌ها، به جنبش زنان و جوانان حمله می‌کند، ده‌ها هزار نفر را دستگیر کرده است. فشارها را ادامه داده است، در زندان‌ها شکنجه ادامه دارد. همچنین فشارهایی هم وجود دارند که دیده نمی‌شوند، تمام این حملات و فشارها علیه HBDH هم وجود دارند.

فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ از ابتدا HBDH را به عنوان بزرگترین تهدید برای خود مشاهده کرده است. و با طراحی و برنامه سازی‌های ویژه، در طول ۶ سال گذشته حملات گسترده‌ای را به منظور وارد ساختن ضربه علیه آنها ترتیب داده است. در شهرها و روستاها این حملات را ادامه داده است، تا جاییکه عضویت در HBDH را به عنوان بزرگترین تهدید و خطر نخست برای خود مشاهده کرده و برای نابودی آنها،

حملات دشمن روی می‌دهند. در کوردستان و در ترکیه این مشکلات وجود دارند. ما از این مرحله هم گذر می‌کنیم. علیه مناطق حفاظتی میدیا حملات ادامه دارند، می‌خواهند که خط زاپ، آواشین را اشغال کنند. علیه روزآوا و شنگال هم همیشه حملات در جریان بوده‌اند. در ترکیه و باکور کوردستان هم همیشه عملیات‌های نظامی و دستگیری و شکنجه وجود داشته است. فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ دست به حملات همه جانبه زده است. لازم است به عنوان جنبش مقاومت مشترک خلق‌های ترکیه و کوردستان HBDH، کارگران و زحمتکشان، وظایف و مسئولیت‌های خود را هر چه بیشتر بر دوش گرفته و وارد میدان مبارزه کرده و پتانسیل‌های خود را بیشتر ارتقا داده و سازماندهی

را گسترده کرده و مبارزه علیه فاشیسم را تا حد بسیج عمومی گسترش بدهند. البته فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ برای وارد کردن ضربه به منطقه آواشین و زاپ حمله کرده است. این آخرین تلاش آنهاست. نیروهای گریلا در مقابل این حملات برخودان می‌کند، مقاومت می‌کند و می‌رزد، باید این مبارزه و این برخودان در ترکیه هم گسترش پیدا کند. زمانیکه فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ تلاش می‌کند تا دیکتاتوری فاشیستی را با حملات زاپ، آواشین و روزآوا و شنگال و در هم شکستن برخودان انقلابی گسترش بدهد، در تلاش است تا بقای خود در قدرت را تضمین کند. باید این برخودان انقلابی را در کوه‌ها، دشت‌ها و شهرهای ترکیه هر چه بیشتر گسترش بدهیم. ما باید فاشیسم

پکک حزب کارگران

انقلابی تبدیل کند. در همانجایی که فاشیسم انتظار حمله را ندارد، دست به حمله بزنند و سال ۲۰۲۲ را به سال فروپاشی فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ تبدیل کنند. عزم راسخ ما، برخورد ما با این مسئله اینگونه است. HBDH نواقص و کمبودهای فرایند گذشته خود را با پیشبرد مبارزه بر اساس نقشی که به دوش گرفته است رفع می‌کند. و از این توانایی برخوردار است. نتایج لازم را از خود انتقادی گرفته و در آینده همه جا، به میدان مبارزه تبدیل شده و هر روز باید شاهد عملیاتی از سوی آ.ک.پ/م.ه.پ خواهیم بود و بدون شک از اراده لازم برای درهم شکستن فاشیسم برخوردار خواهد بود.

آ.ک.پ/م.ه.پ را در تمام ابعاد اقتصادی و نظامی آن مورد هدف قرار بدهیم، جنگ را بیش از پیش گسترش بدهیم، در نقاط ضعیف دشمن را مورد حمله قرار دهیم. تنها راه درهم شکستن فاشیسم آ.ک.پ/م.ه.پ همین راه است. این وظیفه HBDH است. در این فرایند، لازم است که HBDH بیش از هر زمان دیگر جوانان و زنان ترکیه را بسیج کند، و برخوردان را در شهرها ترکیه گسترش بدهد. و اعضای آن بتوانند علیه فاشیسم دست به حمله بزنند. زمانیکه می‌بینیم فاشیسم در محورهای زاپ و آواشین جبهه باز کرده است و می‌خواهد در این محورها گریلا را محاصره کند، لازم است HBDH تمام شهرهای ترکیه از استانبول گرفته تا ازمیر، از دریای سیاه گرفته تا چوکورووا و آنکارا را به میدان‌های برخوردان و مبارزه

دوران کالکان

عضو کمیته‌ی مرکزی حزب کارگران کوردستان
 پکک اول ماه مه را به عنوان روز ارزیابی
 جدید و توسعه مبارزه معرفی کرده است،
 این مسئله هم خدمت بزرگی به توسعه
 و پیشرفت این حزب نموده است



MAY DAY

पहली मई

1. MÁJ

1^{er} MAI

۱۱ اردیبهشت

1 DE MAYO

1. MAI

1 MAJA

۱ ایيار



گولان